

# هویت واحد یهود از شعار تا واقعیت

امیر رضا دهقانی نیا\*

بررسی واقعیت صهیونیسم بین الملل از جمله ابهام آمیزترین و رازآلودترین پژوهش‌ها در سراسر جهان محسوب می‌شود؛ البته چگونگی تشکیل کشور اسرائیل بر اساس منابع آشکار و جنگ‌های متعدد، امری روشن و شفاف در چگونگی ستم یهودیان به مردم فلسطین شمرده می‌شود. اما پس از تشکیل دولت غاصب، اراده جدی در پنهان کاری، تبعیض و تحریف تاریخ مربوط به یهود آغاز می‌شود که از آن پس تحقیقات را در این باره با مشکلات بسیار جدی روبه‌رو می‌کند؛ تا جایی که امروز حتی دانشجویان یهودی دانشگاه‌های اسرائیل درباره تحریف رخ داده معترض شده و به نقد پسا صهیونیستی روی آورده‌اند؛ از جمله این موارد می‌توان به کتاب نگاه پسا صهیونیستی درباره اسرائیل و فلسطین اشاره داشت.<sup>۱</sup>

از دیگر مسائلی که بعد از تأسیس دولت غاصب در سرزمین‌های اسلامی تبلیغ بسیاری بر آن شده، تفاوت و فاصله میان یهودیت و صهیونیسم است؛ آن‌چه که به نظر نگارنده از دیگر روش‌های صهیونیست‌ها یا یهودیان در کسب پایگاه‌های لازم جهت اشاعه نفوذ در کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای جهان می‌توان از آن یاد کرد. آیا به راستی میان صهیونیسم بین‌الملل یا اسرائیل با یهودیت تفاوتی وجود دارد؟ اگر وجود دارد، چه منابعی جهت تأیید یا رد این موضوع مورد اعتماد می‌تواند باشد؟

آیا صهیونیست‌ها افرادی ویژه و بسیار متغایر و متفاوت با یهودیان جهان در انگیزش‌ها، اندیشه، باورها و رفتارها هستند؟ این موضوع باید در یک بستر تاریخی مورد دقت قرار گیرد؛

البته تردیدی در تغییرات قوم یهود به لحاظ گذشت زمان وجود ندارد؛ به گونه‌ای که حتی نام بردن قوم یهود به صورت یکپارچه و تلقی واحدی از آن، مورد اتفاق نیست. از نکات بسیار مهم در مسأله یهود یا یهودیان، جایگاه تورات و تعامل این گروه‌ها با کتاب تورات است. قرآن درباره تورات در مواضع مختلف به توضیح آن پرداخته است که به شرح ذیل بیان می‌شود:

آنچه براساس مبانی قرآنی و مطابق آیات آن به دست می‌آید، این است که انجیل و تورات دو کتاب آسمانی می‌باشد که از سوی خداوند بر دو پیامبر اولوالعظم نازل شده، اما توسط پیروان آن‌ها منحرف شده است.

کتاب‌هایی که در دست یهودیان است و آن‌ها را کتاب مقدس خود می‌دانند، مجموعه‌ای از سی و پنج کتاب است که یکی از این سی و پنج کتاب، تورات و شامل پنج سفر است؛ همچنین کتب مورخانی است که دوازده کتاب را شامل می‌شود و نیز کتاب ایوب، زبور داوود و کتاب‌های سلیمان است که کتاب‌های سلیمان نیز مشتمل بر هفده کتاب است. ولی در قرآن کریم فقط به تورات موسی و زبور داود علیهما السلام اشاره شده است.<sup>۲</sup>

آنچه به صورت قطعی می‌توان گفت و مورد اذعان یهودیان نیز قرار دارد، این مسأله است که کتاب فعلی یا اسفار فعلی، همان تورات مذکور در قرآن نیست و این کتاب به لحاظ سندی (به اعتراف خود یهودیان) نیز بعد از حضرت موسی (ع) تدوین شده است. از جمله مواردی که در قرآن به آن استناد شده است و در تورات فعلی وجود ندارد، آیه ۱۵۷ سوره اعراف است:

الذین يتبعون الرسول النبي الامي الذي يجذونه مكتوباً عندهم في التوراة والانجيل.

البته قرآن کتاب تورات و انجیل را کتاب‌های کاملی نمی‌داند و در این باره می‌فرماید:

«و کتاباً له فی الالواح من کل شیء موعظة و تفصيلاً لكل شیء.»

در این آیه قرآن می‌فرماید که ما برای موسی در الواح که همان تورات باشد، منتخبی از هر چیز نوشتیم، آن مقداری را که مورد احتیاج قوم او بود یا در آیه ۴۸ سوره مائده می‌فرماید:

«و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الكتاب و مهیناً علیه»

با توجه به این آیه نیز قرآن مهیمن و مکمل تورات و انجیل معرفی شده است؛<sup>۳</sup> از این رو می‌توان این گونه نتیجه گرفت که حتی بنا بر اذعان یهودیان، تورات فعلی کتابی نیست که مستقیم و براساس سخنان حضرت موسی تنظیم شده باشد؛ بدین سبب در یک مسیر تاریخی طولانی، موضوعیت خود را همانند گذشته حفظ نکرده است و اقوام پراکنده بسیاری مسمی به

یهودیت پدیدار شدند که هیچ رابطه‌ای با تورات نداشتند؛ اما در دوره مدرنیته به لحاظ پیچیدگی تحولات اجتماعی، این موضوع نیز پیچیده‌تر شد.

دوره مدرن همراه با تقویت برخی مولفه‌ها، از جمله دولت، در ساختارهای سیاسی بود؛ به‌گونه‌ای که دولت مفهومی مستقل و اصیل فرض شد که تحقق بسیاری از آرزوها در آن یافت می‌شد. تجمع سرمایه‌ها و تشکیل و انباشت ثروت سرمایه‌داران به‌عنوان تابعی از قدرت تعریف شده و مولفه مهم آن دولت در دوره مدرن محسوب می‌شود. اروپا در یک حرکت سیاسی ویژه می‌کوشید تا مشکلات خود با یهودیان را به یک شکل غیراروپایی تبدیل کند؛ از این رو صورت معادله به شکل یهودی — اسلامی تغییر یافت و در جهت پایداری معادله، به کسب مولفه قدرت و در پی آن ایجاد دولت یهودی نیاز بود و از مولفه‌های مهم دولت، همگونی قومی، نژادی و ... است؛ مسأله‌ای که در طی قرون متمادی در موضوع یهود از میان رفته است. از این رو طرح شعار احیای ملت یهود در سرزمین موعود، در دستور کار رسانه‌های یهودی قرار گرفت؛ اکنون پرسش این جا است که آیا این شعار با واقعیت موجود یهود قابلیت اجرایی شدن دارد؟

با توجه به توضیحاتی که در ادامه خواهد آمد، می‌توان وضوح چند پارگی اقوام یهود را اثبات کرد. اما چه موضوعی موجب عدم تنبه و آگاهی اندیشوران به این موضوع شده است؟ آیا طرح چند پارگی قومی در میان یهودیان قابل تعمیم به دیگر مذاهب و فرقه‌ها می‌باشد؟ یعنی اگر در قوم یهود اختلافات عمیق مشاهده شد، قانون کلی برای همه مذاهب تشکیل می‌شود؟ یا این قاعده عناصر ویژه‌ای دارد که آن را خاص موضوع یهود می‌کند؟

تفاوت ساختاری موجود در روابط گروه‌های یهودی در هیچ‌یک از فرقه‌های دیگر وجود ندارد؛ مانند آن‌که یهودیان حتی فرد ملحد یهودی را یهودی خطاب می‌کنند؛ (البته توضیح بیشتر این موضوع در متن مقاله آمده است) در صورتی که در هیچ یک از فرقه‌های مهم مانند اسلام و مسیحیت چنین قانونی وجود ندارد؛ از این رو انسجام بیشتری میان افرادی که مسیحی یا مسلمان خوانده می‌شوند وجود دارد.

شاید بعد از شکوه و عظمت سلیمان، یهودیان در هیچ دوره‌ای در عظمت و شوکت نبوده‌اند و این امر موجب پراکندگی و از هم پاشیدگی قوم یهود شد؛ به‌گونه‌ای که امروزه میان بسیاری از گروه‌های یهودی، اشتراکات بسیار کمی وجود دارد یا به طور کلی نقطه اشتراکی مشاهده

نمی‌شود؛ از این رو یکی از اهداف عمده دولت اسرائیل یا پیش‌تر از آن سازمان جهانی صهیونیسم، احیای ملت یهود و بازگشت شوکت سلیمانی به آن بوده است.

ولی آیا این احیا مطابق با واقعیت است یا یک شعار توخالی محسوب می‌شود؟ برخلاف آنچه که عده‌ای معتقدند «هجرت یهودیان به سرزمین موعود، اصولاً به سبب فشارهای سیاسی و اوضاع بد اقتصادی و معاش آنان بوده است»<sup>۴</sup> و از این علت نتیجه می‌گیرند که اقوام یهود منسجم و هماهنگ بودند و در لحظه‌ای تاریخی تصمیم به هجرت گرفته و به سرزمین موعود بازگشتند؛ ولی نیت سازمان جهانی صهیونیسم امروز در این مهاجرت امری غیر قابل انکار است. انگیزه‌ها و اهداف صهیونیسم بین‌الملل که با تشکیل سازمان جهانی صهیونیسم تقویت شد.<sup>۵</sup>

از نکات قابل تامل، روال شکل‌گیری کشورها است؛ به گونه‌ای که در آغاز افراد و گروه‌هایی که با هم مشترکاتی داشته‌اند، در یک جغرافیای خاص گرد هم آمده و سپس در بستر تاریخی، دولت — کشورها تشکیل شده است؛ اما صهیونیسم جهانی نخست یک جغرافیای ویژه را تصاحب کرده و سپس خواستار کوچاندن عده‌ای به این سرزمین است. ولی آیا شعارهای تبلیغی سازمان جهانی صهیونیسم برای ترغیب یهودیان در همه جهان واحد است؟ با دقت در این شعارها (که تلاش بسیاری بر دور نگه داشتن عناصر غیریهودی از آگاهی به این شعارها می‌شود). مشخص می‌شود که هیچ رویه مشترکی وجود نداشته است. در رویا رویی یا یهودیان مقیم اتیوپی، چاد و ... تبلیغات برای حل مشکلات اقتصادی است و در رویارویی با یهودیان اروپا و آمریکا، تبلیغات برای دستیابی به موضوعات دیگری استوار بوده است.

از این رو دولت صهیونیستی در ترغیب یهودیان به فلسطین هرگز نتوانسته است بر یک محور مشترک تبلیغ کند؛ زیرا گروه‌های یهودی پراکنده در دنیا، تفاوت‌های بسیار فاحش با یکدیگر دارند؛ اما آنچه امروز در فلسطین اشغالی می‌گذرد، دولتی متشکل از قوم‌های پراکنده و پاره‌پاره است که حتی برخی از آن‌ها تا قبل از ورود به اسرائیل از کتاب تورات بی‌خبر یا فقط رسومات جغرافیایی محل اقامت خود را آموخته بودند؛ البته دولت صهیونیستی اسرائیل تلاش بسیاری در جهت احیای وحدت و انسجام انجام داده است؛ اما این تلاش‌ها در بسیاری از عوامل خود، حتی از آموزه‌های مذهبی یهود دور بوده و در قالب‌های سکولار غربی انجام می‌شود. البته تحولات انجام شده در سرزمین اشغالی سبب شده است تا نسل‌های بعدی زاده شده در فلسطین اشغالی در الگوهای همسان‌تری با یکدیگر قرار گیرند و تفاوت‌های پدران

خود یا یکدیگر را نداشته باشند؛ البته بدان معنا نیست این که اختلافات میان اقوام‌های موجود در سراسر دنیا از بین رفته باشد، بلکه هم‌چنان این اختلاف‌ها وجود دارد. آیا دولت اسرائیل در احیای ملت واحد یهود موفق بوده است؟ آیا اختلافات قومی بسیار شدید موجود در جهان میان یهودیان در دولت اسرائیل از بین رفته است؟ آیا هم‌چنان بیشتر یهودیان در اسرائیل به سر می‌برند؟ یا بیشتر جمعیت یهودیان در آمریکا و ... ساکن هستند؟

آن‌چه در این مقاله مورد دقت است، بررسی اختلافات قومی میان یهودیان پس از دولت سلیمان و در عصر حاضر است؛ اختلافات عمیقی که حتی کوچک‌ترین شباهتی میان برخی از اقوام یهودی مشاهده نمی‌شود و این اختلافات در احزاب اسرائیل نمودار شده و موجب برتری قومی برخی اقوام مهاجر در اسرائیل در مقایسه با دیگر اقوام مهاجر شده است اگرچه شعار احیای ملت یهود در پرتو شوکت سلیمانی و احیای تورات معنا می‌یابد؛ ولی احزاب متشکل از اقوام مختلف یهودی که تحت نفوذ چند کلان‌سرمایه‌دار یهودی قرار دارند، با فاصله‌گیری از تورات به سوی آداب غربی مانند دولت‌های سکولار حرکت می‌کنند.

از نکات قابل تأمل دیگر، پس از تشکیل اسرائیل سکونت هم‌اکنون اکثریت یهودیان در خارج اسرائیل مانند آمریکا است؛ از این‌رو شناسایی اختلافات قومی، ما را به شناخت عمیق‌تری از احزاب اسرائیل و شعار هویت واحد ملت یهود خواهد رساند.

### یهود، قومی یکپارچه یا گروه‌های پاره‌پاره

بسیاری از محققان معتقدند که واژه یهود یا یهودی مفهوم مشخص و معینی دارد؛ به مانند واژگانی چون: ایرانی، آلمانی و ... که مفاهیم مشخص و معینی دارند؛ به‌عنوان مثال واژه آلمانی به کسی اطلاق می‌شود که از نژاد Nordic (نردیک) سفید پوستان، وابسته به تمدن غربی و دارای فرهنگ ژرمنی می‌باشد و به زبان آلمانی تکلم می‌کند و عضو ملت آلمان است؛ از این‌رو این پژوهشگران در توصیف یهود مانند واژه انگلیسی (Jewrly)، دسته یکپارچه‌ای را مدنظر قرار می‌دهند و از آن با نام ملت یهود، قوم یهود یا امت یهود نام می‌برند.<sup>۶</sup>

البته این جریان که یهود را جماعتی یکپارچه و منسجم نشان دهد، به‌شکل کاملاً هدفدار از سوی سازمان‌های صهیونیستی حمایت شده و در قالب کتاب‌های تحقیقی و دایرةالمعارف با نام‌های مختلف ارائه شده است و این جریان هدفدار از سوی مترجمان و یا محققان ناآگاه یا مغرض به فرهنگ فارسی در حال انتقال است.

ایده تبلیغی صهیونیسم بین الملل عبارت است از: «یهودیان عالم، وابسته به تمدنی واحد و دارای تاریخ واحد، سرنوشت، آینده، فرهنگ و چه بسا نژاد یکسانی هستند و منافع و آمال و آرزوهایشان مانند هم است و مشترکات آنان مهم تر از تفاوت‌هایشان است.»<sup>۷</sup>

عبارات متعدد تاریخ یهودی، ملت یهود، سران یهود، زرسالاران یهود و ... چنین معنایی را می‌رساند که این طایفه دارای هویت مستقل و واجد و جدا از سایر ملت‌ها است. مفاهیمی که به صورت آشکار یا غیر آشکار، مضامین استقلال‌خواهانه یهودی محسوب می‌شوند. پیش فرض اصلی در هر تاریخ یا هویت مستقل عبارت است از این که «تاریخ باید دارای مراحل، دوره‌های مستقل و میانگین تغییر و تحول و قوانین خاص خود باشد و لازم است سازندگان این تاریخ عمدتاً یهودی‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده‌اش منحصرأ دین یهود و برخی مسائل اجتماعی منحصر به فرد باشد. استقلال هر ساختار تاریخی به معنای استقلال ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، تمدن و نمادهای مرتبط به آن و تجانس نسبی این ساختارها با یکدیگر در تمامی مراحل این تاریخ می‌باشد.»<sup>۸</sup>

ولی اگر به تاریخ با دقت و بی تعصب نگریسته شود؛ به راحتی می‌توان اثبات کرد که یهودی‌ها در جامعه‌ها و کشورهای متعددی زندگی کرده و روش‌ها و منش‌های کاملاً متفاوتی را داشته‌اند؛ روش‌هایی که به هیچ شکل حکایت از اشتراک میان آن‌ها نداشته است؛ بلکه با دقت در این مناسک مشخص می‌شود که این روش‌ها متأثر از فرهنگ هر ملت و کشورهای مستقل بوده است؛ به گونه‌ای که هر عضو یک جامعه متأثر از آن می‌شود؛ به عنوان مثال «یهودی‌های یمن در قرن نوزدهم در یک جامعه عربی بیابانی و قبیله‌ای می‌زیستند؛ اما در همان زمان یهود هلند در یک جامعه شهری متمدن و مبتنی بر نظام سرمایه‌داری غربی زندگی می‌کردند.»<sup>۹</sup>

با دقت می‌توان به تفاوت‌های موجود میان این دو جامعه پی برد، آیا می‌توان این دو گروه را دارای یک تاریخ واحد، جامعه واحد یا ارزش‌های واحد دانست؟ آیا جهان‌بینی و مدل‌های زیستن یهودی بدوی بیابانی با الگوهای زیستن یهودیان هلندی شهرنشین یکسان است. آیا این دو گروه هر کدام دارای سابقه تاریخی جامعه وابسته به آن هستند یا دارای ساختار تاریخی واحدی هستند؟

به یقین پاسخ فوق روشن است. هرگز این دو گروه دارای ساختار تاریخی مشترکی نیستند و هر کدام جزئی از کشور عربی یمن یا کشور غربی هلند هستند و همان اندازه که میان تاریخ، سیاست و فرهنگ کشورهای عربی و غربی تفاوت مشاهده می‌شود، میان این دو گروه یهودی

نیز اختلاف وجود دارد؛ به گونه‌ای که فقط یک لفظ مشترک یهودی را میان آن‌ها می‌توان به اشتراک یافت.

شاید این پرسش از سوی برخی ناآشنایان به ساختار مذهبی یهود طرح شود که این دو گروه دارای مذهبی واحد هستند؛ از این رو ارزش‌ها و مناسک متعددی را می‌توان به اشتراک یافت، ولی پاسخ این پرسش برای محققان و پژوهشگران واضح است؛ زیرا جامعه مذهبی یهود از جمله ساختارهایی است که دارای پارامترهای ویژه و منحصر به فردی است؛ به گونه‌ای که نام مذهب فقط یک لفظ مشترک محسوب می‌شود؛ البته این موضوع نیز به صورت مفصل در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برای وضوح بیشتر این موضوع به صورت روشمند این مسأله بیان می‌شود که از جمله روش‌های مستند و مقبول در ساختارمندی یک جمعیت نسبت به عوامل تاریخی، فرهنگی و ...، بررسی وقایع تاریخی، حوادث فرهنگی و تعلق‌مندی آن به جمعیت مذکور است. از جمله این وقایع مهم تاریخی، مدل‌مندی دموکراتیک حکومت‌ها، انقلاب صنعتی و ... است که می‌توان این پرسمان بنیادین را در این باره تطبیق داد. آیا انقلاب صنعتی جزء وقایع تاریخ یهودی محسوب می‌شود یا این حادثه به تاریخ غرب متعلق است؟ آیا رنسانس از حوادث تاریخ یهود است یا حادثه تاریخی متعلق به تاریخ غرب است؟ پاسخ این پرسش‌ها بسیار واضح و آشکار است.

هیچ‌یک از این وقایع، جزئی از تاریخ یهود نیست؛ بلکه متعلق به تاریخ غرب است و اثر خود را بر همه اجزای متصل به خود گذاشته است؛ بنابراین چه اقلیت‌های جمعیتی و چه اکثریت‌های آن، متأثر از این رخداد بوده‌اند. هرگز هیچ محققى نمی‌تواند این واقعه یا رخداد تاریخی و ... مشابهی را به جامعه یهودی منسوب کند؛ زیرا نمی‌تواند مدلی جهت تفاوت‌ها و ناهمگونی‌های موجود ارائه کند؛ در نتیجه به قلب حقایق یا تحریف تاریخ خواهد پرداخت.

با توجه به مواردی که بیان شد، اگر نتوان از تاریخ یهود سخن گفت، دیگر نمی‌توان هویت یا دیگر پارامترهای مذکور را نیز به صورت یکپارچه مورد خطاب قرار داد.

از جمله دلایلی که بر استقلال جامعه یهود آورده شده است، گویش یهودی‌ها می‌باشد؛ به عنوان مثال «متابع صهیونیستی، لادینو «Ladino» (گویش یهودیان سفاردی) و یدیشی «Yiddish»<sup>۱</sup> را طرح می‌کنند.

اما آیا به‌راستی داشتن گویش منحصر، دال بر استقلال است؛ به گونه‌ای که به صورت یک واحد در نظر گرفته شود؟ در بسیاری از کشورها لهجه‌ها و گویش‌های خاصی را در صورت جمع شدن در جغرافیای خاصی به صورت تک مولفه‌های ویژه فرهنگی متأثر از مجموعه کل

در نظر می‌گیرند؛ ولی آیا این قاعده در این باره صادق است؟ پاسخ این پرسش نیز منفی است و چند دلیل برای آن می‌توان آورد که عبارت است از:

۱. نسل این گویش‌ها ادامه نیافت. گویش لادینو به کلی منقرض شد و گویش یدیشی نیز زبان کهنسالان شده و در حال انقراض است.
۲. نویسندگان یهودی آثار خود را به زبان مذکور نمی‌نگارند؛ بلکه به زبان خود می‌نویسند. حتی این نویسندگان آثار خود را به زبان عبری یا آرامی — که زبان مذهبی آن‌ها است — نمی‌نویسند؛ بلکه به زبان کشوری می‌نویسند که به آن تعلق دارند.
۳. گویش یدیشی نیز خاص یک اقلیت یهودی معین بوده‌است و درباره همه اهالی این مذهب صادق نیست؛ در نتیجه ویژگی جهان شمول قومی از آن به دست نمی‌آید. همین تفاوت گویشی و انقراض آن، دال بر تنوع و تعدد موجود در میان گروه‌های یهودی است.

۴. روشنفکران طرفدار جنبش روشنگری آلمانی این زبان را زبان تجار خرده‌پا و بی‌صداقت آلمانی می‌دانند.

۵. گویش یدیشی منقرض شد و یهودیان ساکن در کشورهای آلمان، لهستان، روسیه و ... به زبان وطن خود گویش کردند.

شاید در میان هیچ گروهی چنین جریان‌های پاره و جدا از یکدیگر دیده نشود؛ البته برخی ملاک‌ها و اصولی را جهت تقسیم‌بندی‌های مذکور ارائه کرده‌اند که نمی‌توان هیچ کدام از آن‌ها را بر معیار واحدی پذیرفت و در مقابل، تفسیرهای بسیار متفاوتی از اصول تقسیم گروه‌ها در میان جریان‌های یهودی ارائه شده‌است که حتی معارض و متناقض یکدیگرند. اما آنچه تا حدودی به جریان‌های یهودی جهت دستیابی به یک کل — که بیشتر با قاعده «شبهت خانوادگی» لودیگ ویتگنشتاین قابل تحلیل است — شباهت دارد، براساس دو اصل است: الف. نژادی ب. اعتقادی

## اصل نژادی

جریان‌های یهودی که تفرقه و گروه‌های متفاوت و متقابل (در آینده به صورت کامل بیسان خواهد شد) یهودی را در واقع می‌دیدند، در یک تقسیم نژادی، بر خلاف عرف‌های رایج و قاعده‌های معمول نژادی که پدران را اصول و عمود می‌دانند، مادر یهودی را اصل نژادی گرفته و قاعده‌ای ترتیب دادند که هر شخص که از مادری یهودی متولد شود، یهودی است.

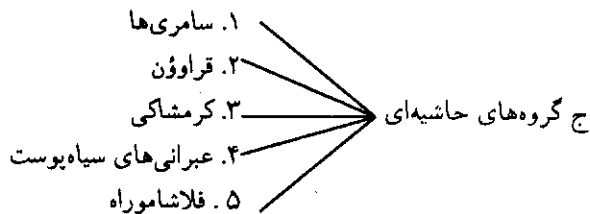
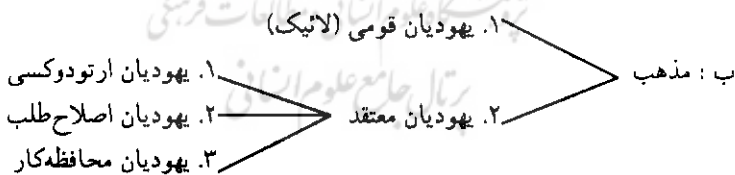
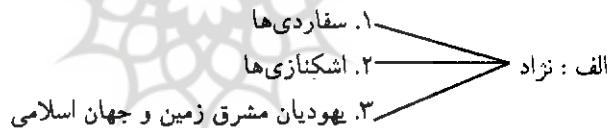


در این اصل هیچ اشاره‌ای به قواعد نژادی معتبر نیز نشده است؛ حتی در این موضوع که ممکن است فرد یهودی متولد شده پدری مسیحی داشته‌باشد و تابع دین پدر خود شود، توضیح نمی‌دهند و یهودیان او را یک یهودی می‌پندارند و در جامعه یهودی پذیرا هستند. با کمی دقت در این اصل به دست می‌آید که این قاعده نه تنها بر موضوع وحدت‌انگاری یهود کمکی نکرده‌است، حتی بسیاری از افرادی که هرگز خود را یهودی نمی‌دانند، از نظر جامعه یهودی، یهودی محسوب شده‌اند؛ از این رو این اصل را با اصل دیگری ضمیمه کردند؛ هرچند در جهت هدف مذکور، توجیه قابل قبولی را نتوانست ارائه دهد.

## اصل اعتقادی

جریان‌های یهودی، اعتقاد به دین یهود را به‌عنوان اصلی مهم در عضویت جامعه یهودی محسوب کرده‌اند. البته این قاعده را به‌گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که بار دیگر پراکندگی جریان‌ها را همسو نکرده و خود بر این تعدد افزوده است؛ زیرا در جامعه یهودی حتی یهودیان ملحد را یهودی محسوب کرده و از عضویت این جامعه خارج نمی‌کنند.

بر طبق این دو اصل، تقسیماتی به‌وجود آمده است که به شرح ذیل بیان می‌شود؛ تقسیمات نژادی در میان گروه‌های یهودی عبارت است از:



با توجه به تقسیم‌بندی‌های بالا می‌توان به پراکندگی بسیار این گروه‌ها پی برد. شاید بسیاری جمع‌شدن گروه‌ها را تحت عناوین یهودیان لاتیک یا یهودیان معتقد نشانه‌ای برای وحدت نهایی یهودیان بدانند؛ در صورتی که اگر به عناوین تقسیم‌نگریسته شود، نکات ذیل به‌دست می‌آید:

۱. هیچ سنخیت واحدی در میان تقسیم‌ها به‌جز دو عنوان کلی نژادی و عقیدتی دیده نمی‌شود؛ (البته در این دو عنوان نیز خدشه‌هایی وارد شده است)

۲. ذیل عناوین کلی تقسیماتی وجود دارد که ناقض مقسم است؛ به‌عنوان مثال اعتقاد و ایمان به یهود اصل تقسیم است؛ در صورتی که یهودیان لاتیک داخل در تقسیم می‌باشند یا در قسم یهودیان معتقد، یهودیت ارتدوکسی طرفدار یهودی خاخامی بوده و یهودیت اصلاح طلب مقابل یهودیت خاخامی قرار دارد؛ از این رو آن‌چه بعد از غضب بیت‌المقدس به صورت یک برنامه منظم در دستور تبلیغ یهودیان قرار گرفته است، در بستر متکثر پاره‌پاره تعریف می‌شود. برای روشن شدن این موضوع و درباره هر یک از موارد مذکور، توضیح مختصری بیان می‌شود.

۱. سفاردی‌ها: عده‌ای از یهودیان که گویش لادینویی داشته و در شبه جزیره ایبری ساکن بوده و از اشراف و طبقه سرمایه‌دار یهودیان محسوب می‌شدند. این گروه با انعطاف بیشتری در جوامع مقصد هضم شده و معمولاً تجارت و بازرگانی جوامع مقصد را به عهده می‌گرفتند. این گروه مناسک و مراسم عبادی متفاوت از گروه‌های دیگر یهودی داشتند و بسیاری از آداب و رسوم عربی و بعدها غربی را در خود جای داده‌اند. این گروه هرگز با گروه‌های دیگر مراد و ارتباط قومی برقرار نکرده‌اند و آن را مایه تنزل و سقوط دانسته‌اند.

«اسپینوزا فیلسوف و دیزرائیلی (بنیامین دیزرائیلی که برای خدمت به اهداف صهیونیست به ظاهر مسیحی شد و مدتی نخست‌وزیر انگلیس شد) از جمله افراد این گروه بوده‌اند.»<sup>۱۱</sup> این گروه پس از مهاجرت اجباری از شبه جزیره ایبری به دولت عثمانی، شمال آفریقا و یونان سفر کرده و در آن‌جا ساکن شدند.

۲. اشکنازی (Ashkenazim): گروه‌های یهودی ساکن در شرق اروپا، گویش یدیشی داشته‌اند؛<sup>۱۲</sup> البته در میان این گروه، گویش‌های زبان وطنی رایج‌تر از گروه اسفاردی‌ها بوده است. این گروه‌ها از تعصبات بیشتری برخوردار بوده و معمولاً در کشورهای مقصد از سوی گروه‌های دیگر یهودی نیز پذیرفته نمی‌شدند. این گروه‌ها به دلیل اصرار بر جدایی از تمدن تازه، همواره گروهی عقب‌افتاده تلقی می‌شدند. پوشش و اصلاح ویژه این گروه باعث می‌شود

که ضریب پذیرش جوامع مقصد و انعطاف گروه‌های مهاجر اشکنازی در تعامل با یکدیگر بسیار کاهش یابد و به انزوای این گروه‌ها در جوامع مذکور بینجامد. مناسک عبادی خاص و متفاوت، از دیگر علل تفاوت این گروه‌ها بوده است. عموم نهضت‌های فکری دوره معاصر<sup>۱۳</sup> از جمله صهیونیزم از سوی این گروه ایجاد شده است؛ اما بعدها به دست گروه‌های شرقی از اختیار اشکنازی‌ها خارج شد.

این گروه یهودیان ایران، کرد، سامری، مقیم کوه‌های اطلس و ... را شامل می‌شود. این گروه یهودی که عموماً عرب شده‌اند و آداب و رسوم عربی را با خود دارند، حتی گویش خاصی نداشته و به زبان جوامع خود تکلم می‌کنند. آداب و مناسک عبادی این گروه نیز متفاوت از دو گروه دیگر بوده است و برخی از آداب و رسوم عربی یا وطنی را پذیرا شده‌اند. برخی به اشتباه این گروه را سفاردی نامیده‌اند. البته شباهت عبادی این دو گروه موجب شده تا چنین توهمی به وجود آید. ولی گذشته کاملاً متفاوت تاریخی و اجتماعی این گروه از گروه سفاردی‌ها، مهم‌ترین دلیل بر رد این توهم است. شرح مختصر گروه‌های دینی نیز می‌تواند به وجود تفاوت‌های اساسی در این باره اشاره کند. یهودیان در جهان به دو گروه عمده یهودیان مرتبط با میراث دینی یهود و ملحدان و غیرمرتبطان با میراث دینی یهود تقسیم می‌شوند. یهودیانی که ارتباطی با آموزه‌های مذهبی خود نداشته و شیوه غیر یهودی دارند، یهودیان قومی اطلاق می‌شوند که بیشتر از نیمی از گروه‌های یهودی ساکن در امریکا و شوروی را شامل می‌شود. در مقابل یهودیان قومی، گروه‌های دیگری وجود دارند که با آموزه‌های مذهبی خود مرتبط بوده، ولی تفاسیر بسیار متفاوت و پراکنده‌ای را ارائه کرده‌اند که به ترتیب عبارتند از:

## ۱. یهودیان اصلاح طلب

مهد این گرایش، کشور آلمان است. آلمان مهد اصلاح‌طلبی و اصلاح‌خواهی در دین مسیحیت بوده است. این گرایش قوی در میان متفکران آلمانی تأثیر خود را بر یهودیان ساکن در این کشور گذاشته و آن‌ها را به سمت اصلاح‌طلبی در یهودیت سوق داد. این فرق که از زندگی در دولت آلمان بهره‌های مادی بسیاری برده‌اند، تفاسیری خاص از سرزمین موعود و آموزه‌های نژادی دین یهود ارائه کردند.

در اعتقاد یهودیان تفکراتی مانند: «دوران مشیحانی»، «بازگشت» رجعت به سرزمین موعود و «تبعید» (زندگی در سرزمین غیر موعود) را آموزه‌های غیر دینی و نژادی اعلام کرده

و بی‌اعتبار دانستند و فقط خود را در قبال تفاسیر آموزه‌های دینی مجاب دانستند. این موضوع که از وابستگی سرزمینی و دولت مردمی اصلاح‌طلبان یهودی نسبت به کشور آلمان حاصل شده بود، توجیه‌گر حضور آن‌ها در این سرزمین‌ها شد و تئوری خاخامی در فرق یهودی را به انفعال کشاند؛ البته برای تناسب با دیرینه‌گرایی یهودی، آموزه‌های نژادی را در آخرالزمان معنامند دانستند. در هر حال این اندیشه سبب افزایش ضریب هاضمه فرهنگی گروه‌های یهودی ساکن در هر کشور و پذیرش عناوین دولت‌های مدرن مانند شهروندی شد؛ افرادی که در محاسبات دولتی، شهروند محسوب شده و در مقایسه با معیارهای داخلی یهودی، اصلاح طلب محسوب شدند.

## ۲. یهودیان ارتدوکس (تلمودی)

عده‌ای از یهودیان با اعتقاد به نزول کامل تورات از سوی خدا، خود را در برابر تمام دستورات موجود در این کتاب متعهد دانسته و به گروه‌های تلمودی شهرت یافتند. این گروه به شعائر مذهبی مشهور یهود مانند دستورات غذایی و تعطیلی روز شنبه بسیار مقید بودند؛ البته این گرایش که در دوره‌های قبل از رنسانس ریشه داشت تا پایان قرن نوزدهم (بعد از رنسانس) طرفدارانی را در میان گروه‌های یهودی کسب کرد.

## ۳. یهودیان محافظه کار

یهودیان محافظه کار از جمله گروه‌های یهودی هستند که بر وحدت‌مندی یهود عقیده دارند. این گروه که قادر به انکار پراکندگی قومی، نژادی و دینی در میان یهودیان نیست، ایده‌ای را از درون این بستر متکثر بیان می‌کند که عبارت است از این‌که گروه‌های یهودی منشعب از قوم بنی‌اسرائیل در طول تاریخ تغییرات بسیاری کرده و گروه‌های متعددی از آن به‌وجود آمده‌اند (شرح مختصر آن گذشت) که می‌کوشند تا حتی عقاید تغییر داده شده را بر خاسته از روح و هویت قوم بنی‌اسرائیل بدانند «این گروه را فرهنگ عامه یا روح قومیت می‌دانند که البته تقریباً این همان دیدگاه صهیونیزم است، هرچند در اسرائیل مسائل دینی در اختیار کامل یهودیت ارتدوکسی است.»<sup>۱۲</sup>

این گروه مانند اصلاح‌طلبان بر این عقیده است که کتاب تورات، از سوی خدا نازل نشده و شامل دستوراتی است که بر برخی از انبیا الهام شده است. با توجه به این تفسیر، مجال برای اندیشه‌های تفسیری بشری یا نگاه زمینی به تورات بسیار هموار شده و خردورزی مدرن در

عرض تورات قرار گرفته است؛ به این دلیل طرفداران این نظریه، دستورات دینی مشهور را نیز مانند تعطیلی روز شنبه و ... رعایت نکرده و دلیلی بر تقید به این دستورات در عصر حاضر نمی‌بیند. «گروه‌های محافظه‌کار، خاخام شدن زنان، همجنس‌بازی دختران و پسران و خاخام شدن همجنس‌بازان را جایز دانستند و گرایش به دیانت دنیای جدید در میان آن‌ها مانند اعتقاد به ماسونیت، بهائیت و .. رشد چشمگیری داشته است.»<sup>۱۵</sup>

گروه‌های فرعی دیگری نیز وجود دارند که مواردی به اختصار درباره هر یک از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. قراون یا قرائت کنندگان: این گروه در پی تعامل با مسلمانان و آشنایی با اندیشه معتزله، مطالب مربوط به تلمود را مردود و اساس خاخامی‌گری را نمی‌پذیرند. این عده در امریکا، روسیه و اسرائیل به‌طور مجموع در حدود ده‌هزار نفر تخمین زده می‌شوند.

۲. سامری‌ها: این گروه، مطالب کتب عهدین و تلمود را مردود دانسته و فقط به اسفار پنجگانه موسی معتقد هستند. این گروه مدعی است که نسخه اسفار در دست آن‌ها نسخه‌ای اصیل می‌باشد؛ البته با دیگر نسخ یهودیان تفاوت‌های چشمگیری دارد؛ همچنین این عده عقیده‌ای به منجی ندارند و در شهر نابلس در کوه جرزیم ساکن هستند.

۳. کایفنگ‌ها: گروه دیگری که در چین ساکن و دارای دو عبادتگاه هستند. این گروه هیچ اندیشه‌ای از تلمود و تورات نداشته و مانند یهودیان هندی بسیار متأثر از آموزه‌های کنفوسیوس و طبیعت‌انگاری هستند.

۴. فلاشاه‌ها: به یهودیان اتیوپی گفته می‌شود. این گروه کاملاً قبیله‌ای زندگی می‌کنند و هیچ تفاوتی با دیگر مردم اتیوپی به لحاظ ساختار، آداب و رسوم در زندگی ندارند. در میان این گروه عده‌ای به مسیحیت گرویده و مطرود شده‌اند و به «فلاشاموراه» شهرت دارند. این عده به شعائر و دستورات مذهبی که سینه به سینه به آن‌ها رسیده است، عمل می‌کنند و با یهودیان خاخامی تفاوت‌هایی دارند.<sup>۱۶</sup>

زبان این گروه، زبان رسمی اتیوپی یا امهری (Amharic) است و مراسم خود را به زبان جعیزی یا زبان کلیسایی بجا می‌آورند.

آنچه می‌توان در یک نمای کلی از نمودار جابه‌جایی قومی یهودیان ارائه داد، به شرح ذیل است:

بیشتر یهودیان در کشورهای اسلامی بودند و به سفاردی‌ها شهرت داشتند و اقلیتی اشکنازی در میان آن‌ها بود؛ اما بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی در اروپا، موقعیت

اشکنازی‌های متعلق به جامعه اروپایی رشد کرد و همزمان با پیشرفت علوم، جمعیت یهودی مقیم اروپا افزایش یافت. این امر سبب شد تا درگیری‌های مسیحی — یهودی در اروپا افزایش یابد؛ از این رو ایده انتقال یهودیان مازاد اروپا به آسیا قوت گرفت. این ایده همزمان با رشد مفاهیم دولت مردمی و دولت سرزمینی در دوره مدرنیته موجب شد تا از دل گروه‌های محافظه‌کار یهودی، ایده دولت یهودی نضج یابد و به‌عنوان بهترین راه حل برای جمعیت مازاد اروپا مورد توجه دولت‌های استعماری قرار گیرد. به‌ر حال آن‌چه در این باره باید مورد توجه قرار گیرد، این است که هدف و تلاش دولت اسرائیل، ترویج اصطلاح (یهودی) است؛ اصطلاحی که به واقع بر پراکندگی‌های متعددی دلالت دارد و شاید بهترین اصطلاح جایگزین آن (گروه‌های یهودی) باشد.

به یقین پیدایش ایده صهیونیسم و تشکیل دولت اسرائیل، دو واقعیت بنیادین و محوری در دنیای گروه‌های یهودی به شمار می‌رود؛ زیرا این ایده، داعیه رهبری و نمایندگی تمام یهودیان موجود در جهان را دارد.

از این رو بررسی این پدیده بعد از شناخت گروه‌های موجود یهودی، کمک موثری در شناخت یهودیان دارد. دولت اسرائیل تلاش فراوانی کرده‌است تا بتواند بسیاری از مبانی و مسائل موجود را تغییر دهد و قوم یهود، تاریخ یهود و ... را در دوره معاصر به صورت دایمی و رسمی به‌وجود آورد.

شناخت اسرائیل نخست باید در بستر دولت صهیونیستی و سپس چگونگی تعامل آن‌ها و در نهایت دولت اسرائیل بررسی شود و پس از آن براساس آیات قرآنی، نحوه برخورد با این پدیده ارائه شود.

نکته قابل توجه در این باره تشکیل احزاب سیاسی و نمود مدرن قبیله و قومی‌گرایی یهود در دنیای مدرن است. این احزاب در دولت اسرائیل تأثیرات بسزایی داشته‌اند؛ در نتیجه از نکات بسیار مهم در برخورد با پدیده اسرائیل است.

بسیاری از اندیشمندان سیاسی با دولت اسرائیل به‌عنوان یک جز واحد و منسجم برخورد کرده و براساس این فرضیه، راهبردهای سیاسی را در امور خارجه خود تدوین می‌کنند. سکونت اقوام متعدد از اقصا نقاط جهان در شهرک‌های اسرائیلی سبب شده‌است تا احزاب سیاسی متمایزی از احزاب سیاسی قبل از تشکیل دولت سیاسی شکل بگیرد.

در آغاز ذکر این نکته لازم است که دولت اسرائیل به هیچ عنوان دولتی متکثر و دموکراتیک محسوب نشده‌است و نظام پارلمانتاریستی ضعیفی دارد و تا اوایل دهه نود، این

خصوصیت به صورت یک ضرورت تبلیغ شده است و بعد از آن تا حدودی از این حالت انقباض خارج شده و به سوی آموزه های دموکراتیک حرکت کرده است. وجود نسل جدید در درون شهرک های اسرائیلی، مناسبات جدیدی را در سیاست اسرائیل رقم زده است. سابقه احزاب را باید در دو مقطع بررسی کرد:

الف. قبل از ایجاد رژیم اسرائیلی  
ب. بعد از ایجاد رژیم اسرائیلی

## الف. احزاب سیاسی قبل از ایجاد رژیم اسرائیلی

در این دوره مهم ترین سازمان گروه های یهودی، سازمان صهیونیسم بود که در داخل آن سه جریان عمده پدید آمد:

۱. صهیونیسم عمومی  
۲. صهیونیسم مذهبی  
۳. صهیونیسم کارگری<sup>۱۷</sup>

صهیونیسم عمومی: از آغاز در میان یهودیان دو دیدگاه متفاوت به صورت کلی درباره دولت یهودی وجود داشت. دیدگاه اول که «تودور هر تزل» را می توان نماینده آن دانست، در پی کسب ضمانت های بین المللی از دول بزرگ سیاسی زمان جهت ایجاد دولت وطن یهودی بود و در مقابل، دیدگاه دوم به رهبری «زئیف جابوتسکی»، اولویت را به مهاجرت یهودیان و ساز و کارهای اجرایی سکونت یهودیان در سرزمین مقصد اعلام می کرد. وی فارغ از کسب ضمانت های بین المللی، این عمل را زمینه اجرایی تشکیل دولت یهودی می دانست و در نهایت اتحادیه «صهیونیست های اصلاح گر» را تأسیس کرد که در کنگره پانزدهم، شانزدهم و هفدهم به اکثریت دست یافته و به کار آن پایان و سازمان صهیونیستی دیگری را به ریاست وایزمن تشکیل دادند.

صهیونیسم کارگری: با توجه به رشد جوامع صنعتی و پیدایی طبقه کارگر، بسیاری از یهودیان نیز در این طبقه قرار گرفته و متأثر از نظرات سوسیالیستی مطرح در جهان بودند. تفکرات تشکیلاتی سوسیالیست ها در تأسیس اتحادیه کارگری با سرایت به برخی از اعضای سازمان های صهیونیستی مانند (بوعالی تسیون) موجب شد تا نسبت به جذب صهیونیست های سوسیالیست نیز گرایش هایی حاصل شود. تا آن که در سال ۱۹۰۵، میان تسیون و سوسیالیست های یهودی ائتلاف ایجاد شد و حزب (بوعالی تسیون سمول) اعلام موجودیت کرد. با توجه به تفکر کمونیستی، ایده کمونیست های صهیونیسم و نقشب و پایگاه آن ها در ایده کمونیسم جهانی محور عقاید آن ها بود؛ ولی به دلیل گرایش های صهیونیستی بسیار شدید، این حزب در سال ۱۹۳۹ مجدداً به سازمان صهیونیستی پیوست.

«با توجه به وجود گرایش‌های کمونیستی و طبقه کارگر در میان گروه‌های یهودی، انشعابات متمایل به این گرایش‌ها از حزب (بوعالی تسیون) صورت گرفت. حاصل این انشعاب، تشکیل (اتحادیه کارگری) با نام (احدودت هعفودا) بود. تا زمانی که با سازمان (هبعیل هتسعیر) ادغام شده و حزب (المبادی) را در سال ۱۹۳۰ تشکیل دادند» در نهایت اختلافاتی بسیار میان هتسعیر و اعضای المبادی به‌ویژه درباره قرارداد میان اصلاح‌گران و بن‌گوریون موجب توسعه این اختلافات تا ارجاع آن به هستدروت و طرح فراندوم گردید. در نهایت این اختلاف، انشعاب بسیاری را تا انحلال رسمی اعضای داخلی المبادی مانند (سیاحه — بیت یا گروهک ب) به همراه داشت.

### صهیونیسم مذهبی

طرح اتحاد میان جریان صهیونیستی و دین یهود در دستور کار کنگره دوم قرار گرفت؛ اما این اتحاد در بستر سکولار، تکون یافت. شهربال نخستین شاخصه‌های تفکرات سکولاری را در قبال دین یهود می‌شنید؛ آموزه‌هایی که به‌طور مشخص دین را تعریف کرده و اعتقادی به گسترش عواطف از تعالیم یهودی در شهروندی و اداره جامعه یهودی نداشت. این ایده موجب آن شد تا «خاخام راتیس» از سازمان جسدا شده و درگیری میان جناح‌های رادیکالی و کارگری بروز خارجی‌تری بیابد.

جنبش‌های مقابل نگاه حداکثری به دین یهود با تشکیل نهضت (المزارحی) اقدامات خود را منسجم‌تر کردند و همین امر پایه‌های ایجاد حزب دینی (حبوعیل همزراحی) را در سال ۱۹۲۲ بنیان گذارد؛ هدفی که در فضای آن دوره، دیدگاه حداکثری به دین یهود داشته و از پایگاه قدرتمندی در اسرائیل برخوردار است. آموزه‌های دینی موجود در تورات کنونی، بهترین تمسک این حزب و جریان استعمار اروپا در تشویق و ترغیب یهودیان به مهاجرت به فلسطین بوده است؛ موضوعی که هر روز در کیان دولت غاصب اسرائیل در تعامل با دنیای غرب و فرق مهاجر به حاشیه‌رانی کامل تورات در اجرائیات دولت رضایت داده است. از جمله کارکردهای این حزب با در محاق بردن گروه‌های متدین یهودی غیر صهیونیستی است. این گروه‌ها را عمدتاً می‌توان در اقوام ارتدوکس مشاهده کرد.

این گروه با توجه به مهاجرت به فلسطین، پایگاهی نیز کسب کرده بودند. «جنبش آگودات اسرائیل» نماینده این احزاب بوده و تشکیل دولت یهودی در فلسطین را پایان اراده منتظران



یهودی در بازگشت «مسیح» می‌داند و هر حرکتی با این هدف را ضربه‌ای از جانب کفر می‌دانند.<sup>۱۸</sup>

نکته لازم به ذکر درباره این گروه، پدیداری گرایش موافق به جریان صهیونیسم از درون آن است. حرکتی که این جریان را به یک جریان طرفدار بازگشت به اسرائیل و تقویت صهیونیسم تبدیل کرد؛ ولی اصول‌گرایان موجود در این جریان یا به تعبیری دیگر ارتدوکس‌های مهم در این جریان در سال ۱۹۳۵ جدایی خود را از این جریان اعلام کردند. «در نهایت پنج گروه در اسرائیل با عنوان «تاتوری کارتا» (نگهبان ناشور) وجود دارند که وظیفه خود را مبارزه علیه صهیونیسم می‌دانند؛ البته دلیل آن را عدول جریان صهیونیسم از سه<sup>۱۹</sup> عهد معروف یهودیان می‌دانند.»<sup>۲۰</sup>

### احزاب سیاسی بعد از تشکیل رژیم صهیونیستی

در یک نمای کلی می‌توان سه گروه عمده احزاب سیاسی را به شرح ذیل برشمرد:

۱. اردوگاه چپ‌گرایان.

۲. اردوگاه راست‌گرایان.

۳. اردوگاه مذهب‌گرایان.

در کنار سه حزب یهودی بالا به صورت حاشیه‌ای احزاب عربی نیز حضور دارند. برخی از صاحب‌نظران سیاسی با دسته‌بندی بالا مخالف بوده و تقسیمات دیگری را ارائه می‌کنند؛ البته با تمام اختلاف‌های موجود این تقسیم‌بندی، بیشتر احزاب سیاسی موجود را در برمی‌گیرد. قبل از شرح مختصر هر یک از احزاب، ذکر چند نکته درباره خصوصیات مشترک موجود میان آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد:

گستره عملکرد: یا احزاب سیاسی موجود در اسرائیل دارای عملکردهای فرامسئولیتی یک حزب می‌باشند. احزاب اسرائیلی که عمدتاً در اروپا تشکیل شده‌اند، قبل از مهاجرت به فلسطین و غصب آن، مسئولیت‌های متعددی را از جمله: مهاجرت، اسکان، بیمه‌گذاری و ... را جهت یهودیان تحت پوشش خود انجام می‌دادند؛ از این رو بسیاری از این احزاب بعد از تشکیل دولت غاصب اسرائیل و نیازهای موجود در سرزمین‌های فلسطین اشغالی این وظایف را به صورت هدفمندتری انجام می‌دهند. از این رو کارکرد این احزاب از وجوه متمایز آن‌ها با دیگر احزاب موجود در دنیا می‌باشد.

اما بعد از تشکیل رژیم نژادپرست یهودی در فلسطین با استفاده از نفوذ حزبی و به‌کارگیری امکانات دولتی در جهت اهداف حزبی، بازتاب نامطلوبی را در میان یهودیان مقیم اسرائیل داشته است؛ به‌ویژه احزاب سنتی‌تر یهودی که قدمت آن‌ها به دوران (یشیوف) بر

می‌گردد، مشمول این قاعده می‌باشند که از آن جمله می‌توان به احزاب کارگری یا چپ‌گرای یهودی اشاره کرد که سرمایه‌های دولتی بسیاری را به سوی انجمن‌های کیوتس و موشاف هدایت کردند تا این سندیکاها را از ورشکستگی نجات دهند.

برداشت‌های دینی: از ملاحظات مهم در احزاب و انشعاب‌های آن‌ها می‌توان به نقش عقیده‌مندی هر یک از گروه‌ها در قبال مذهب و رابطه آن با حکومت اشاره کرد که به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف. گروه‌هایی که خواهان صلح با فلسطینیان و کشورهای عربی بوده و بر عقب‌نشینی از بخشی از سرزمین‌های اشغالی تمایل نشان می‌دهند. احزاب کارگری و عربی را می‌توان در این دسته دانست؛ البته احزاب دیگری مانند شینوی لیبرال نیز در این دسته قرار دارد.

ب. گروه‌های یهودی که با هر نوع عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی مخالف بوده و خواهان توسعه اسرائیل به این سرزمین هستند. احزاب دست راستی را نیز باید در این گروه جای داد؛ البته حزب‌هایی مانند توسعه و وجود دارند که دست راستی نیستند، ولی در این عقیده با این گروه‌ها مشترک هستند.

### ساختار همسان حزبی

احزاب اسرائیلی دارای ساختار و شاکله واحد یا مشترکی هستند. هر حزب یک کنگره — که عالی‌ترین مرکز تصمیم‌گیری حزب می‌باشد — را دارا است. کنگره، سیاست‌گذاری کلان حزب را انجام داده و معمولاً از ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ عضو دارد؛ مانند (حزب لیکود و کارگر که دارای چنین اعضای هستند). کنگره در هر چند سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و در خلال هر نشست کنگره با یک کمیته مرکزی چند صد نفره که از اعضای کنگره انتخاب شوند، در هر ده سال چند مرتبه جمع شده و هدف‌گذاری حزب را انجام می‌دهند.

البته این شاکله موجب شده بود تا بسیاری به دموکراتیک بودن احزاب اسرائیل اعتقاد یابند؛ ولی واقعیت این است که این کنگره‌ها تشریفاتی بوده و عده بسیار اندکی از رهبران سیاسی و منتقدان یهودی، تمام خط‌مشی‌ها و انتخاب افراد جهت تصدی مناسب حزبی و دولتی را در انحصار داشتند. این عده با تشکیل طبقات گوناگون به خریداری آرا جهت تثبیت موقعیت خویش اقدام می‌کردند. ابزار بسیار مهم این گروه، وجود «کمیته داوطلبین» بود. رهبران یهود براساس معاملات پنهان، نامزدهای مقبول را به احزاب معرفی می‌کردند و احزاب از میان این عده، کاندیدا را برمی‌گزیدند.

«البته از دهه هشتاد به تدریج وضعیت تغییر کرده و یک سوی نظام‌های مقدماتی انتخاباتی مشابه آمریکا در احزاب اسرائیل در حال شکل‌گیری است»<sup>۲۱</sup>

احزاب چپ که حزب کارگر را می‌توان نمونه مناسب احزاب چپی دانست.

«گروه میرتس مرکب از سه حزب شبینوی «لیبرال» مپام «چپی» و راتس (میان‌رو) معمولاً با لیست واحد در انتخابات کنست شرکت می‌کنند.

حزب کارگراز جمله احزاب سوسیال دموکرات صهیونیستی است که از اتحاد سه حزب کارگری به‌وجود آمده است که رهبران آن «اسحاق رابین» و بعد از هلاکت وی، «شیمون پرز»، «موشه‌دایان»، «لویا ایلیاف»، «شولامت الوانی» و هم‌اکنون «یهود باراک» هستند. این حزب‌ها مانند دیگر احزاب دچار مشکلات اساسی بوده‌اند»<sup>۲۲</sup>

این حزب در برابر عقب‌نشینی کامل یا الحاق کامل سرزمین‌های اشغالی (سرزمین‌های بعد از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷) مخالف و خواستار راه‌حل میان منطقه‌ای است. مواضع این احزاب درباره فلسطین، سوریه و لبنان به شرح ذیل است:

۱. فلسطین، آماده مذاکره و پیگیری قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸، مخالف تشکیل کشور

مستقل فلسطین. حاکمیت کامل اسرائیل بر بیت‌المقدس، توقف شهرک‌سازی در برخی از زمین‌ها، اسکان آوارگان عرب در خارج از اسرائیل.

۲. سوریه، موافق حضور اسرائیل در بلندی‌های جولان، احداث شهرک‌های جدید در این مناطق و خلع سلاح نیروهای تحت حمایت سوریه.

۳. لبنان، لبنان مستقل و همسایه را پذیرفته است؛ ولی خواهان حضور اسرائیل در جنوب لبنان است.

احزاب راست‌گرا، احزاب دست‌راستی اسرائیل را میان احزاب یهود، مولیدت، تومت، هتچیا و حزب افراطی می‌توان دانست.

حزب لیکود در سال ۱۹۷۷ برای نخستین بار در تاریخ اسرائیل توانست از احزاب چپ‌گرا پیشی بگیرد و در یک ائتلاف با احزاب مذهبی، کابینه تشکیل دهد. مدت‌ها یکی از رهبران و مردان پشت‌پرده یهود به نام «مفاحیم بگین» بر این حزب ریاست باتبانی داشت و پس از کناره‌گیری وی، سه جناح در آن به‌وجود آمد: (جناح شاهیر، آرنس، جناح شارون و دیوید لوی که در میان یهودیان شرقی پایگاه مستحکمی داشت).

احزاب مذهبی: در اسرائیل طرفداران مذهب به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

الف. مذهب یون افراطی (حریدیم یا پرهیزکاران) ب. مذهب یون عمومی (هتسونیم هدا تیم) گروه های مذهبی به جناح ارتدوکسی یهودیت وابسته اند.

احزاب اغودات اسرائیل، دیفل هتواره و شاس وابسته به مذهب یون افراطی و حزب مفدال وابسته به مذهب یون صهیونیست است.

نکته لازم به ذکر، حضور سیاسی کم رنگ یا غیر سازمان یافته مذهب یون اصلاح طلب و محافظه کار در اسرائیل است. جنبشی در قرن هجدهم در لتوانی لهستان آغاز شد که در مقابل برداشت های رایج زمانه خود ایستاد و به مخالفت با آن پرداخت؛ عقیده ای که اقامه شعائر را بدون نیاز به عمیق شدن در دستورات تورات کافی می دانست. این نهضت که بعدها «حسیدیه» نام گرفت، شاخه ای از مذهب یون افراطی است. شاخه دیگر فرقه «لتوانیه» است که در مقابل فرقه حسیدیه بود. منازعه میان این دو فرقه تا قرن بیستم ادامه داشت و بعد از آن هر دو فرقه اقدام به تأسیس حزب اغودات اسرائیل شواری عالی علما تورات کرده و به بسیاری از اختلافات خود پایان دادند. این حزب از مخالفان سرسخت جریان صهیونیسم و تشکیل دولت یهود بود؛ ولی با روی کار آمدن رهبران جوان تر، خصومت میان این حزب و جریان صهیونیسم از بین رفت و داخل جریان سیاسی صهیونیسم گردید.

در عقاید سیاسی این حزب و چرخش آن به سمت صهیونیسم، تعارض های ظاهری با مبانی دین یهود دیده می شود. یهودیان معتقدند که منجی موعود باید آن ها را به سرزمین فلسطین بازگرداند؛ ولی چون نشانه بارزی از این امر دیده نمی شود، اعضای عالی این حزب به رهبری خاخام آبراهام نیردیفر با عقب نشینی از فلسطین مخالفت کرده و به مهاجرت و اسکان و شهرک سازی اصرار دارند.

«شواری عالی علما تورات متشکل از روسای مدارس مهم دینی (یشیف ها) که بیشتر آن ها لتوانی الاصلند و روسای دربارهای حسیدیه هستند و پایگاه انتخاباتی حزب در اسرائیل بیشتر در میان بنیادگرایان (حریدی ها) و اشکنازی ها ساکن بیت المقدس و منطقه نی براک (نزدیک تل آویو) است.»<sup>۲۳</sup> نیز به بسیاری از اختلاف ها پایان داده و نظرات یکسان تری بعد از تشکیل اسرائیل اتخاذ کرده اند.

از نکات قابل تأمل در موضوع شناخت احزاب در اسرائیل، حضور احزاب عربی است. احزاب عربی را در یک نگاه بسیار کلی می توان به سه گروه سیاسی، حزب حواش یا راکح، حزب لیست پیشرو و حزب دموکراتیک عرب تقسیم کرد.

هر سه حزب در کنست اسرائیل شرکت کرده و اعضای را در برخی دوره‌های آن داشته‌اند.

حزب راکح، منشعب از حزب کمونیست اسرائیل بود و در مقابل حزب هاکمی<sup>۲۴</sup> (یا شاخه‌ای که در آن، یهودیان اکثریت اعضا را تشکیل می‌دهند)، قرار گرفت. این حزب در آغاز دیدگاه‌های فرا یهودی و عربی فلسطینی داشت؛ ولی بعد از تشکیل اسرائیل و گذر از انشعاب‌های سه‌گانه در دولت اسرائیل حزب کمونیست به صورت یکپارچه ظاهر شد. این حزب که مواضع شوروی سابق را تأیید می‌کرد، در مقابل جریان صهیونیسم و امپریالیسم به اتخاذ موضع پرداخته و بسیاری از عرب‌های ساکن را جذب خود کرد. مواضع مذکور موجب شد تا میان مېکونیس و موشی سینه با مئیر فیلز و توفیق طوبی اختلافی‌های عمیقی ایجاد شود و انشعابی در سال ۱۹۶۵ به ترتیب موجب پیدایی «ماکی» و «راکح» به رهبری افراد مذکور گردد.

حزب لیست پیشرو برای صلح از سوی گروه‌های رادیکال عرب و یهود تشکیل شد که مرکب از یهودیان، مسیحیان و مسلمانان بود؛ ولی هم‌اکنون حزب بعد از گذر از یک اوج در حد شهر الناصره محدود شده است. حزب دموکراتیک عرب که یک حزب کاملاً عربی است، برنامه‌هایی مشابه دو حزب قبلی عرب و سعی در محوریت‌بخشیدن به (ساف) به‌عنوان تنها نماینده فلسطینیان دارد. این حزب بر شرکت عرب‌ها در کنست اصرار ورزیده و به این امید است که بتواند با استفاده از جمعیت بالای جامعه عربی، مشکل فلسطینیان را حل کند. در این میان و در اواسط دهه هفتاد، جریانی در فلسطین بنا به تغییر موازنه در معادلات سیاسی جهان شکل گرفت. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شوق جوانان جهان به مسائل مذهبی، تحصیل تعداد زیادی از جوانان در مراکز علوم اسلامی و ناکارآمدی ایده‌های ملی عربی و ... موجب شد تا در منطقه المثلث گروه‌های مذهبی تشکیل شود و به مرور به دیگر نقاط فلسطین گسترش یابد. جوانانی که در خارج از فلسطین با مفاهیم اسلامی آشنا شده بودند، به فلسطین بازگشتند و جنبش اسلامی فلسطین را همراه با آموزش جوانان فلسطین پایه‌گذاری کردند. این گروه‌ها با نگاه حداکتری به دین اسلام، در صدد تشکیل دولت اسلامی در سراسر سرزمین‌های فلسطینی بوده‌اند و از شرکت در انتخابات کنست و سهیم شدن با دولت اسرائیل در زمینه‌های اقتصادی و ... که نشانه مشروعیت بخشی به اسرائیل است، خودداری کنند. اما مواضع میانه‌رو حرکت اسلامی سبب شده است تا از تحریم انتخابات امتناع ورزند و به نوعی در انتخابات‌های محلی شرکت می‌کنند؛ ولی در مقابل این حرکت میانه‌رو، حرکت‌های اصیل‌تری از سوی

جوانان مسلمان فلسطینی در لایه‌های عمیقی شکل گرفت که فقط به تشکیل دولت اسلامی در سراسر فلسطین می‌انداشد.

با توجه به مطالب ذکر شده و تحقیق دربارهٔ ساختار جمعیتی اسرائیل می‌توان به حاشیه‌رانی مذهب یهود در دستور کار دولت اسرائیل پی برد. نفوذ و استحالهٔ جریان متدین یهودی که براساس سه عهد معروف یهودیان، مخالف جریان صهیونیسم بودند، از آن جمله است.

غلبهٔ فرهنگ امریکایی مرسوم در میان (اشکنازی‌ها) بر دیگر فرهنگ‌ها و رسوم موجود، خود مویدی بر این مسأله است.

«یهودیان شرقی فاصلهٔ زیادی با یهودیان غربی در فلسطین اشغالی دارند و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی حضور پررنگی نداشته و به تدریج از آداب و رسوم خود فاصله گرفته و کاملاً در فرهنگ غربی محو شده‌اند.»<sup>۲۵</sup>

امروز نمونه‌های متعددی از فاصلهٔ یهودیان شرقی از آداب و رسومشان را می‌توان مثال زد:

«رخت بر بستن چند همسری، فروشنندگان دورهٔ گرد، شاغل سنتی، پدرسالاری، به مسخره گرفتن طب سنتی و جادوگری، متلاشی شدن پدیدهٔ خانواده‌های مولکولی، تشکیل خانواده‌های اتمی، دوری از رسوم مذهبی، بی‌اعتنایی به باور به خدا و...»<sup>۲۶</sup>

غلبهٔ فرهنگ اشکنازی‌ها موجب حاشیه‌رانی دین به صورت گسترده در اسرائیل شده‌است؛ به گونه‌ای که احزاب سکولار از قدرت بیشتری در اسرائیل در طی دههٔ اخیر برخوردار شده‌اند. شاید بتوان به راستی مفاد آیهٔ ۳۴ سورهٔ بقره را در مورد احزاب اسرائیل منطبق دانست. با توجه به روند غیر دموکراتیک موجود در اسرائیل، عموماً یک گروه از شاخام‌های بزرگ یهود که خود از کلان سرمایه‌داران یهودی نیز محسوب می‌شوند، بر تمام اسرائیل حکم می‌رانند و هدف اساسی این گروه، ایجاد شوکت و شکوه سلیمانی برای یهود نیست؛ بلکه کسب منافع و قدرت بیشتری برای خود است. «احبار و بزرگانی از یهود که اموال مردم را به باطل می‌خورند و از راه خدا جلوگیری می‌کنند.» (آیهٔ ۳۴ سورهٔ بقره.)

این عدهٔ قلیل بر تمام احزاب نفوذ و قدرت داشته و دولت اسرائیل و شعارهای آن به‌ویژه احیای ملت یهود موجب افزایش قدرت آن‌ها شده است. چرخه‌ای که در تقاب مذهب و قومیت به انباشت ثروت در دست احبار یهودی می‌انجامد.

امروز دولت اسرائیل می‌کوشد تا با پوشاندن فاصله قومی، اختلاف مذکور در نسل‌های آینده متولد شده در اسرائیل را از بین ببرد و به اختلافات درون وطنی تبدیل کند؛ از این روایده‌های ملت یهود و بازگشت شوکت آن در پس یک حرکت دینی، شعاری تو خالی است؛ زیرا تحولات موجود در اسرائیل حکایت از حاشیه‌رانی و حذف مذهب در این کشور دارد.

اختلافات بسیار شدید قومی موجود در قالب احزاب در کشور اسرائیل، نمود مدرنی یافته است. سکونت اکثریت یهودیان در کشور امریکا، مهاجرت معکوس، رشد باورهای غیردینی در میان جامعه یهودی و تبلیغ ایده سکولاریسم از سوی دولت اسرائیل در میان یهودیان، نشانه مهمی از عدم تحقق کامل شعارهای صهیونیسم جهانی دارد.

«وقتی تفاوت بین مشاغل مهاجرین و زمین‌ها و علت‌های گرایش مهاجرین به اسرائیل عمیق‌تر شده و چهره خود را به‌ویژه بعد از گذشت چند سال در اسرائیل به رخ مهاجرین می‌کشاند، یهودیان بیشتری اقدام به مهاجرت معکوس می‌کنند»<sup>۲۷</sup>

هر چند تشکیل دولت اسرائیل توانسته است برای بسیاری از یهودیان، منطقه جغرافیایی متعلق مندی را در جغرافیای ذهنی آن‌ها فراهم کند؛ ولی حتی تحقق این جغرافیای ذهنی، سبب حل مشکل مهاجرت معکوس در میان یهودیان نشده است و هم‌چنان بسیاری از یهودیان، امریکا را سرزمین موعود می‌دانند و آن را «گلدن مینا» یا «شهر طلایی» - به خطابه می‌کنند. ولی در پایان آن‌چه که می‌توان پس‌آمد احیای ملت یهود و بازگشت شوکت سلیمانی برای قوم (گروه‌ها) یهود دانست، عبارت است از پدیداری نسلی از جوانان یهودی که هیچ رابطه‌ای با آموزه‌های تورات، تلمود و ...، رسوم، عادات غذایی، عبادت‌ها و ... ندارند؛ نسلی که ایمان یهودی را به‌سخره گرفته و شکست‌بزرگان و احبار یهود در تحقق جامعه مذهبی یهودی را ترسیم می‌کند و اما یهودیانی نیز که در امریکا و ... زندگی می‌کنند، همگی از تعلق به دولت اسرائیل، افزایش منافع خود را در چالش با دولت‌ها طلب می‌کنند؛ از این رو به دشمنی با ملت‌ها و دولت‌ها به‌ویژه مسلمین می‌پردازند. از این رو نقاب مذهبی دولت اسرائیل پوششی برای توجیه مندی غصب و جنایت آن است و ملت‌های جهان به‌ویژه مسلمانان باید بدانند که دولت اسرائیل جهت ارباب دولت‌ها و تحقق منافع دنیایی یهودیان به‌وجود آمده است.

آیات متعددی از قرآن به دنیاپرستی و ماده‌محوری یهودیان و دشمنی آن‌ها با خدا و مسلمانان اشاره دارد؛ از این رو نباید فریب این شعار قوم مدار و مذهب‌پیشه را خورد. خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید:

«من الذين هادوا يحرّفون الكلم عن مواضعه... في الدين»<sup>۲۸</sup>

قومی که خداوند درباره آن‌ها به صورت صفت مطلق و عمومی فرموده است که به تحریف کلام خدا از موضع و جایگاهش پرداختند یا خداوند در خطاب به پیامبرش در قرآن فرموده است:

«لا تزال تطّلع علی خائنة منهم»<sup>۲۹</sup>. «تو همواره به طایفه‌ای از آنان اطلاع پیدا می‌کنی خائن‌اند و یا

همیشه بر خیانت طایفه‌ای از آنان اطلاع پیدا می‌کنی»

با توجه به آیات قرآن و قراین واقعی موجود مانند: پراکندگی قومی، اختلافات شدید قومی، سکونت بیشتر یهودیان در خارج از اسرائیل، مهاجرت معکوس یهودیان، استحالة گروه‌های مذهبی یهودی مخالف صهیونیسم، رشد بی‌اعتنایی دینی در میان جوانان یهود، رشد احزاب سکولار و قدرتمند شدن آن‌ها در اسرائیل و ... می‌توان به دروغ بسودن شعار احیای ملت یهود و بازگشت به سرزمین موعود پی برد.

دولت و تشکیل آن، ابزاری مهم در دستیابی به قدرت بیشتر و توسعه نفوذ یهودیان در دیگر نقاط جهان در دوره مدرن محسوب می‌شد؛ از این رو در تقاب این شعارها به قتل عام مسلمانان و غصب سرزمین‌های آن‌ها پرداختند.

**پی‌نوشت‌ها:**

1. Ilan Pappé Post-Zionist critique on Israel and The Pales tinians, Part I: Winter 1997. Pp. 2q \_\_ 41 \_\_

۲. همان، ج ۳، ص ۴۸۱.

۳. اعراف (۷): ۱۴۵.

۴. صبری جز سیر، «تاریخ الصهیونیه» الجزء الثاني (بنقوسیا: مرکز الابحاث، ۱۹۸۶).

۵. التركيب السكاني؛ محمود علياى، موسسه الدراسات الفلسطينية، بيروت ۱۹۹۶ / ترجمه جادری، ۱۳۷۹.

۶. المسيرى، محمود عبدالوهاب، «يهود العالم»، تأليف عبدالوهاب محمود المسيرى، ترجمه عبدالكريم جادرى، ص ۱۷.

۷. همان، ص ۱۸.

۸. همان، ص ۳۰.

۹. همان.

۱۰. همان، ص ۲۷.

۱۱. همان، ص ۴۰.

۱۲. عده‌ای اصليت این گروه را آلمانی می‌دانند؛ چرا که در عبری از آلمانی به اشکنازی تعبیر می‌شود.

۱۳. نهضت‌های روشنگری، اصلاحگرا، محافظه‌کار و ... از این جمله‌اند.

۱۴. «يهود العالم»، ص ۳۲.

۱۵. همان منبع، ص ۳۲.



۱۶. این عده در مناسک و دستورات به‌ویژه درباره طهارت و نجاست با خاخام‌ها فرق داشته و این مقوله را مرکب می‌دانند.

۱۷. رک: مطالعات منطقه‌ای اسرائیل شناسی — امریکاشناسی مقاله اشعاب در احزاب اسرائیل. عبده‌الاسلامی، ترجمه مهین حاجی‌زاده.

۱۸. «یهودالعالم»، ص ۱۷۵.

۱۹. سه عهد مقدس یهودیان عبارت است از: الف. موجب درد و رنج کسانی نشوید. که در میان آن‌ها زندگی می‌کنید. ب. سرزمین اسرائیل را اشغال نکنید. ج. در امور خود عجله نکنید.

۲۰. «یهودالعالم»، ص ۱۷۴.

۲۱. «رژیم احزاب اسرائیل»، ص ۲۹.

۲۲. حزب کارگر یا مفلیت هعفودا هیسرمتلیت.

۲۳. «رژیم احزاب اسرائیل»، ص ۱۰۱.

۲۴. نام اختصاری حزب کمونیست اسرائیل.

۲۵. ابوالنمل، حسین، «الاقتصاد الاسرائیلی»، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیه ۱۹۸۸. ص ۶۰.

۲۶. آوریان وم، شمیر، «انقلابان توریان فی السیاسه الاسرائیله» مغموت، (القدس) مجله ۳۶.

27. Israel (1992), p.cit., p. 177-182.

۲۸. نساء (۴) ۴۶.

۲۹. همان.

## منابع عربی

— المسیری، عبدالواهاب، «الایدیولوجیه الصهيونیه: دراسه مائه فی علم اجتماع المعرفه، الکویت: المجلس الوطنی الثقافه و الفنون و الاداب ۱۹۸۸.

— هیئه الموسوعه الفلسطینیة. الموسوعه الفلسطینیة.

— حیدره عزیز: «التعبیر السیاسی الفلسطینی فی اسرائیل» فی: کعبل منصور (اشراف)، الشعب الفلسطینی فی

الداخل» بیروت: موسسه الدراسات الفلسطینیة ۱۹۹۰.

— هوی—الفلسطین فی اسرائیل: هل هی فلسطینیة — اسرائیلیة؟ مجله الدراسات الفلسطینیة عدد ۱۰ ربیع ۱۹۹۲.

## منابع انگلیسی

- Arain, Asher. Politician Israel: The second Generation. Chatham , New Jersey: Pab, 1985.

- Patai, Raphael (ed.). Encyclopedia of zionism and Israel. Newyork: Mcgraw will 1971.

- Ben \_\_\_ Sasson, H.H(ed) A History of Jewish People. London: 1976.